

دوتا ۳۶۴	عهدجدید / ۳۱
	اول و دوم و سوم یوحنا
T = معلم ۱ (تدریس توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. امروز به بررسی رساله‌های اول و دوم و سوم یوحنا خواهیم پرداخت. مطالبی در باره نویسنده و مخاطبین این رسالات و خصوصیات و تاریخ و مکان نگارش و علت و هدف نوشته شدن آنها، و تقسیم‌بندی و پیامهای اصلی این سه رساله خواهیم آموخت.

### نکته ۱- نویسنده رساله اول یوحنا

#### اول- شواهد داخلی

شواهد داخلی به‌نحوی چشمگیر نشان می‌دهند که این رساله را یوحنا ی رسول نوشته است. نویسنده خود را به نام معرفی نمی‌کند، اما با ضمیر اول شخص سخن می‌گوید، یعنی با "من" و "ما"، طوری که گویی همه می‌دانستند او کیست (۱: ۴ و ۲: ۱). نویسنده شاهد عینی خداوند عیسی مسیح بود (۱: ۳). بسیاری از کلمات و عباراتی که در این رساله‌ها به‌کار رفته، در هیچ جای دیگری از عهدجدید به‌جز انجیل یوحنا مورد استفاده قرار نگرفته است. برای مثال: "کلمه" در یوحنا ۱: ۱ و اول یوحنا ۱: ۱ و مکاشفه ۱۹: ۱۳. سایر کلمات و عبارات از این دست عبارتند از: "شادی کامل" (یوحنا ۱۶: ۲۴؛ اول یوحنا ۱: ۴)، "به عمل آوردن راستی" (یوحنا ۳: ۲۱؛ اول یوحنا ۱: ۶)، "گناه داشتن" (یوحنا ۹: ۴۱؛ اول یوحنا ۱: ۸)، "تسلی‌دهنده" که در یوحنا ۱۴: ۱۶ به روح‌القدس اشاره دارد (یا مشورت‌دهنده) و در اول یوحنا ۲: ۱ به عیسی مسیح اشاره می‌کند (کسی که از ما دفاع یا وساطت می‌کند- شفیع)، "تور حقیقی" (یوحنا ۱: ۹؛ اول یوحنا ۲: ۸)، "حکمی تازه" (یوحنا ۱۳: ۳۴؛ اول یوحنا ۲: ۸)، "فرزندان عزیز" (یوحنا ۱۳: ۳۳؛ اول یوحنا ۲: ۱)، "مولود از خدا" (یوحنا ۱: ۱۳؛ اول یوحنا ۳: ۹)، "هیچ کس خدا را ندیده" (یوحنا ۱: ۱۸؛ اول یوحنا ۴: ۱۲)، و "غلبه یافتن بر جهان" (یوحنا ۱۶: ۳۳؛ اول یوحنا ۵: ۵).

#### دوم- شواهد بیرونی

نویسندگان مسیحی اولیه که بعد از دوره رسولان می‌زیستند، شهادت می‌دهند که رساله اول یوحنا را یوحنا ی رسول نوشته است. اتفاق نظر اکثر این نویسندگان اولیه به این اشاره دارد که انجیل یوحنا و سه رساله یوحنا را یوحنا ی رسول در سنین پیری خطاب به تمام کلیساها نوشته است.

### نکته ۲- مخاطبین رساله اول یوحنا

رساله اول یوحنا خطاب به کلیسای محلی خاصی نوشته نشده است. بنابراین، رسالات یوحنا در کنار رساله‌های یعقوب و پطرس و یهودا، "رسالات عمومی" نامیده شده‌اند. این بدان معنا است که مخاطبین این سه رساله نه کلیسای محلی یا شخصی خاص، بلکه گروهی از کلیسا یا همه کلیساها هستند.

اما از آنجا که یوحنا ی رسول در آسیای صغیر زندگی و خدمت می‌کرد، این رسالات احتمالاً در وهله اول به کلیساهایی ارسال شد که در تمام این منطقه وجود داشت، یعنی منطقه‌ای که امروز ترکیه نامیده می‌شود (مکاشفه ۲ و ۳). بدیهی است که یوحنا با مخاطبین اولیه آشنا بود. رساله اول قطعاً خطاب به مسیحیان نوشته شده زیرا در اول یوحنا ۵: ۱۳ این رساله چنین آمده: "این نامه را نوشتم تا شما که به فرزند خدا ایمان دارید...". در آن، مسیحیان به گروه‌های مختلف تقسیم شده‌اند، یعنی "پدران" که منظور مسیحیانی است که در زندگی مسیحی خود به بلوغ رسیده‌اند؛ و نیز "جوانان" که منظور مسیحیان جوانی است که رشد کرده‌اند و کلام خدا را به‌خوبی درک کرده‌اند و بر شریک غالب شده‌اند؛ و "فرزندان" که منظور مسیحیان جدید است (paidia). توجه داشته باشید که یوحنا ی رسول همه ایشان را "فرزندان عزیز" (teknia) خطاب می‌کند، نه فقط به این دلیل که او نسبت به ایشان مردی سالخورده بود، بلکه به این دلیل نیز که ایشان را بسیار دوست می‌داشت.

### نکته ۳- تاریخ و زمان نگارش رساله اول یوحنا

پس از رحلت پولس و پطرس رسول در حدود سالهای ۶۴ تا ۶۷ میلادی، خداوند یوحنا ی رسول را به‌عنوان رهبر کلیساهای آسیای صغیر تعیین کرد. احتمالاً اندکی پس از آغاز جنگ یهودیان علیه روم در سال ۶۶ میلادی، و زمانی که مسیحیان اورشلیم به "پلا" (pela) گریختند، یوحنا ی رسول و سایر کسانی که عیسی را دیده بودند و سخنان او را شنیده بودند، به شهر افسس در آسیای صغیر نقل مکان کردند.

ایرانیوس، یکی از پدران کلیسا که در حدود سال ۱۷۰ میلادی زندگی می‌کرد، نوشته که یوحنا ی رسول تا دوره سلطنت تیرازان، امپراطور روم، بطور دائم در افسس زندگی و خدمت کرد؛ تیرازان از سال ۹۸ تا ۱۱۷ میلادی حکومت کرد. بنابراین یوحنا ی رسول از حدود سال ۶۶ تا ۹۸ میلادی در افسس زندگی و خدمت می‌کرده است. کلمنت اسکندرانی، یکی از پدران کلیسا که در سال ۱۹۰ میلادی می‌زیست، نوشته که یوحنا ی رسول حتی پس از بازگشتش از پطمس، یعنی همان جزیره کوچک که او برای مدتی به آنجا تبعید شده بود، فعالانه در مقام رهبر کلیساهای واقع در ناحیه افسس خدمت کرد.

پس از ویرانی اورشلیم و معبد آن در سال ۷۰ میلادی، ورود غیریهودیان به کلیسا به‌همراه با میراث فلسفی‌شان، کم‌کم شروع کرد به تأثیر گذاشتن بر اعتقادات مسیحیت. یوحنا سه نامه به کلیساهای آسیای صغیر نوشت و بطور خاص در مورد تعلیم نادرست معلمی دروغین به‌نام سیرینتوس هشدار داد. تعلیم نادرست او شکل خاصی از مکتبی بود به نام مکتب گنوسی. گنوسی‌ها بدعتکارانی مسیحی بودند که ادعا می‌کردند که آنانی که به فرقه آنان ملحق می‌شوند، از "معرفت" خاصی برخوردار می‌گردند،

معرفتی اضافه بر آن چیزی است که در کتاب مقدس مکشوف شده. ایشان معرفت فلسفی خود را به کتاب مقدس اضافه می‌کردند و به این شکل، معنی کتاب مقدس را تحریف می‌کردند. به همین علت است که یوحنا رسول در مکاشفه ۲۲: ۱۸-۱۹ می‌فرماید: “به کسی که پیشگویی‌های این کتاب را می‌شنود با صراحت می‌گویم که اگر به نوشته‌های این کتاب چیزی اضافه کند، خدا بلاهای این کتاب را بر سرش خواهد آورد. و اگر از این پیشگویی‌ها مطلبی کم کند، خداوند او را از درخت زندگانی و شهر مقدس که آن را شرح دادم، بی‌نصیب خواهد ساخت.” بنابراین کسانی که به فرقه‌های بدعت‌گزار تعلق دارند و معرفت و دانش خود را به کتاب مقدس می‌افزایند یا بخشهایی از آن را حذف می‌کنند، وارث حیات جاویدان نخواهند شد. ما نمی‌دانیم یوحنا رسول دقیقاً در چه زمانی انجیل یوحنا و رسالات یوحنا و کتاب مکاشفه را نوشت. همچنین نمی‌دانیم انجیل یوحنا و رسالات یوحنا قبل از تبعید یوحنا رسول به پطمس نوشته شده یا بعد از آن؛ همچنین نمی‌دانیم پیش از کتاب مکاشفه نوشته شده‌اند یا بعد از آن. بنابراین نتیجه می‌گیریم که یوحنا رسول سه رساله خود را به کلیساهای آسیای صغیر بین سالهای ۷۰ تا ۹۸ میلادی از شهر افسس نوشت.

#### **نکته ۴- موجبات و هدف نگارش رساله اول یوحنا**

**هدف اول مبارزه با تعالیم نادرست است.**

بر اساس اول یوحنا ۲: ۲۱، یوحنا این رساله را نوشت نه به این دلیل که مخاطبینش حقیقت را نمی‌شناختند، بلکه به این دلیل که می‌خواست به ایشان بر علیه تعالیم نادرست ضد مسیح‌ها هشدار دهد. در اواخر قرن اول میلادی، بدعت یعنی تعالیم نادرست غریبی، اصالت ایمان مسیحیت و رشد روحانی مسیحیان را مورد تهدید قرار داد. گرچه تعیین ماهیت دقیق این بدعت دشوار است، اما مطالعه دقیق رسالات یوحنا به همراه نوشته‌های پدران اولیه کلیسا، به ما کمک می‌کند تا برخی از اعتقادات نادرست این بدعت را توصیف کنیم، بدعتی که بعدها مکتب گنوسی نام گرفت. این بدعت اساساً حاوی پنج تعالیم نادرست است: **نخستین تعالیم نادرست:** “دوگانه‌انگاری میان ماده و روح.” “معلمین دروغین تعالیم می‌دادند که ماده را باید سرچشمه همه بديها و شرها دانست و روح را یگانه خیر و نیکی.” در نتیجه، هر چیزی که از ماده تشکیل شده، مانند بدن انسان یا عالم مخلوق، باید شر تلقی شود. برخی روح نیک انسان را زندانی بدن شر انسان تلقی می‌کردند که نتیجتاً می‌بایست کوشید خود را از بدن آزاد ساخت. این امر منجر به زهد و ریاضت افراطی گشت. برخی دیگر می‌گفتند که بدن شر و بد، نمی‌تواند بر روح نیک اثر بگذارد و نتیجتاً هر گناهی که انسان با بدن خود انجام دهد تأثیری بر روح او نخواهد داشت. این امر منجر به دنیا دوستی افراطی گشت. این دوگانه‌انگاری نادرست منتهی به چهار تعالیم نادرست زیر شد:

**دومین تعالیم نادرست:** “مسیح الهی هرگز با عیسای بشری متحد نگردید.” این تعالیم نادرست نتیجه تعالیم نادرست قبلی است. این معلمین دروغین تعالیم می‌دادند که چون “جسم” یا بدن مادی سرچشمه یا جایگاه شر است، مسیح که وجودی الهی بود هیچگاه نمی‌توانسته تماسی واقعی با بدن بشری عیسی داشته باشد. نتیجتاً “این معلمین دروغین تعالیم می‌دادند که مسیح الهی هرگز با عیسای بشری متحد نگردید.” این تعالیم نادرست “دوسه‌تیسیم” نامیده شد، یعنی “ظاهر”. این معلمین دروغین تلمی می‌دادند که مسیح الهی (یا لوگوس یعنی کلمه خدا) در طول تجلی‌اش بر زمین، فقط به‌نظر می‌رسید که بدن بشری یا طبیعت بشری دارد. این معلمین دروغین منکر جسم یافتن بودند. تعالیم می‌دادند که مسیح الهی آنقدر پاک بود که نمی‌توانست با بدن گناهکار بشری متحد شود. بنابراین جسم یافتن یا جسم پوشیدن مسیح غیرممکن است. این معلمین دروغین همچنین تعالیم می‌دادند که تعالیم مهم مسیحیت نظیر رنج و مرگ و قیام هیچ ارزش واقعی ندارند، چرا که فقط مربوط به عیسای بشری می‌شوند، نه مسیح الهی. دو آیه ذیل به این تعالیم نادرست می‌پردازد: در دوم یوحنا ۷ می‌فرماید: “مراقب معلمین فریبکار باشید که تعدادشان روز به روز زیادتر می‌شود. ایشان قبول ندارند که عیسی مسیح بصورت یک انسان و با بدنی همچون بدن ما به این جهان آمد. بلی، اینان مخالف حقیقت و ضد مسیح هستند.” در اول یوحنا ۴: ۲ می‌فرماید: “برای پی بردن به این که پیغام ایشان از جانب روح خداست یا نه، باید از ایشان پرسید که آیا ایمان دارند که عیسی مسیح، فرزند خدا، واقعاً انسان شد یا نه. اگر ایمان داشته باشند، در اینصورت پیغام ایشان از جانب خدا است.” یوحنا رسول بروشنی تعالیم می‌دهد که مسیح الهی واقعاً طبیعت بشری به خود گرفت. عیسی مسیح هم کاملاً خدا بود و هم کاملاً انسان.

**سومین تعالیم نادرست:** “مسیح الهی فقط موقتاً با عیسای بشری متحد شد.” این تعالیم نادرست نتیجه تعالیم نادرست قبلی بود و در آغاز از سوی سیرینتوس تعالیم داده شد. این معلمین دروغین تعالیم می‌دادند که چون جسم یافتن واقعی مسیح الهی غیر قابل تصور است، باید میان مسیح الهی یا آسمانی و عیسای بشری یا زمینی تمایز قائل شد. “این معلمین دروغین تعالیم می‌دادند که مسیح الهی فقط موقتاً با عیسای بشری متحد شد.” مسیح الهی صرفاً به‌هنگام غسل تعمید بر عیسای بشری نازل شد و پیش از مصلوب شدن، او را ترک کرد. نتیجتاً تعالیم می‌دادند که مسیح الهی هیچگاه رنج و مصیبت نکشید. آیه ذیل به این تعالیم نادرست اشاره می‌کند؛ اول یوحنا ۵: ۵-۶ می‌فرماید: “فقط کسی می‌تواند بر دنیای گناه‌آلود غلبه یابد که ایمان دارد عیسی به‌راستی فرزند خداست. ما می‌دانیم که عیسی فرزند خداست، زیرا خدا دو بار این حقیقت را از آسمان اعلام فرمود. یک بار به‌هنگام تعمید او، و یک بار نیز مدتی پیش از آنکه با مرگ روبرو شود. پس نه فقط به‌هنگام تعمیدش، بلکه مدتی پیش از مرگش نیز خدا از آسمان سخن گفت.” یوحنا رسول بروشنی تعالیم می‌دهد که عیسای تاریخی همان مسیح الهی است، نه فقط در طول غسل تعمیدش، بلکه به‌هنگام مرگش بر صلیب نیز.

**چهارمین تعالیم نادرست:** “گناهایی که در بدن انسان انجام می‌شود، تأثیری بر روح او ندارد.” این تعالیم نادرست نیز نتیجه دوگانه‌انگاری فوق است. این معلمین دروغین تعالیم می‌دادند که میان روح ابدی انسان و بدن موقتی او ارتباطی وجود ندارد. بنابراین روح یا جان نجات‌یافته مسیحیان نمی‌تواند تحت تأثیر گناهان شرورانه‌ای قرار بگیرد که در بدنش انجام یافته، و همچنین نمی‌تواند مسؤول گناهایی باشد که در بدنش انجام یافته. درضمن، این معلمین دروغین تعالیم می‌دادند که انسان می‌تواند در بدن

خود هر کاری که دوست دارد، انجام دهد و لازم نیست ده فرمان را نگاه دارد. تعلیم نادرست ایشان “قانون سستی‌زی” نامیده می‌شد، یعنی زندگی کردن بر خلاف احکام مقدس خدا. نتیجتاً پیروان این بدعت به زندگی کردن در گناه و دنیا دوستی و هرزگی ادامه می‌دادند؛ ایشان گناهی را که در بدن خود مرتکب می‌شدند، گناه روحشان به‌شمار نمی‌آوردند. پیروان این بدعت در گناه زندگی می‌کردند ولی کماکان منکر این بودند که گناه می‌کنند.

آیات ذیل به این تعلیم نادرست اشاره می‌کند؛ اول یوحنا ۱: ۸ و ۱۰ می‌فرماید: “اگر گوئیم که گناهی نداریم، خود را فریب می‌دهیم و از حقیقت گریزانیم ... اگر ادعا کنیم که گناهی از ما سر نزده است، دروغ می‌گوییم و خدا را نیز دروغگو می‌شماریم، زیرا خدا می‌فرماید که ما گناهکاریم.” اول یوحنا ۳: ۶ نیز می‌فرماید: “پس اگر همواره با مسیح رابطه‌ای نزدیک داشته باشیم، در گناه زندگی نخواهیم کرد. اگر کسی در گناه زندگی می‌کند، علتش این است که هرگز با او رابطه‌ای نداشته و او را شناخته است.” منظور یوحنا رسول این است که آنچه را که انسان در بدن خود انجام می‌دهد، نمی‌توان از آنچه که در روح هست، جدا ساخت. او بروشنی تعلیم می‌دهد که هر بشری گناهکار است و به نجات مسیح نیاز دارد. همچنین تعلیم می‌دهد که کسانی که به گناه کردن ادامه می‌دهند، چه در روحشان و چه در بدنشان، قطعاً مسیحی نیستند.

پنجمین تعلیم نادرست: “برترین فضیلت، دانش و معرفت است، نه محبت.” این تعلیم نادرست نیز به‌نحوی از انحاء نتیجه تعالیم نادرست فوق است، زیرا این تعالیم بر پایه مکاشفه خدا در کتاب مقدس بنا نشده‌اند، بلکه بر فلسفه و نظرات یا “معرفت” بشری. این معلمین دروغین تعلیم می‌دادند که “معرفت” برترین فضیلت است. بنابراین ارزش معرفت بشری را بسیار بالا می‌بردند و محبت مسیحی را نادیده می‌گرفتند.

آیات ذیل به این تعلیم نادرست اشاره می‌کنند؛ اول یوحنا ۲: ۳ و ۵ می‌فرماید: “چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که خدا را می‌شناسیم؟ راهش این است که به قلب خود نگاه کنیم و ببینیم که آیا ما را بجا بیابیم ... فقط کسی می‌تواند واقعاً خدا را بشناسد و با او رابطه نزدیک داشته باشد که او را هر روز بیشتر دوست داشته، کلام او را بجا آورد.” اول یوحنا ۲: ۱۱ نیز می‌فرماید: “ولی کسی که ممنوع خود را دوست ندارد، در تاریکی سرگردان است و نمی‌داند به کجا می‌رود، زیرا تاریکی چشمانش را کور کرده است تا راه را نبیند.” همچنین اول یوحنا ۳: ۱۴-۱۸ می‌فرماید: “اگر ما برادران خود را محبت کنیم، معلوم می‌شود که از مرگ رهایی یافته، به زندگی جاوید رسیده‌ایم ... اما کسی که ادعای مسیحیت می‌کند و از نظر مالی در وضعیت خوبی بسر می‌برد، اگر ممنوع خود را در احتیاج ببیند و به او کمک نکند، چگونه ممکن است محبت خدا در قلب او حکمفرما باشد؟ ای فرزندان من، محبت ما نباید فقط زبانی باشد، بلکه می‌باید در عمل نیز آن را نشان دهیم.” یوحنا رسول بروشنی تعلیم می‌دهد که “معرفت واقعی” در اطاعت از احکام خدا تجلی می‌یابد، و نیز در گام برداشتن در اثر قدم‌های عیسی مسیح و محبت کردن به برادران مسیحی. معرفت بدون این محبت نسبت به خدا و محبت نسبت به کلام او و محبت به برادران مسیحی، معرفت از نوع نادرست آن می‌باشد. این معرفت، انسان را بسوی تنویر هدایت نمی‌کند، بلکه بسوی تاریکی کامل.

#### “هدف دوم پدید آوردن خصائل واقعی مسیحی است.”

یوحنا رساله را با در نظر داشتن اهداف ذیل نوشت: اول یوحنا ۱: ۳-۴ تعلیم می‌دهد که مخاطبین نامه نیز می‌توانند با خدای پدر و با عیسی مسیح مشارکت یا رابطه نزدیک داشته باشند، و این امر به‌گونه‌ای تنگاتنگ مرتبط است با نور و حیات و محبت. آنانی که با خدا مشارکت دارند، در نور راه خواهند رفت، و از حیات نوینی برخوردار خواهند بود، و برادران مسیحی را محبت خواهند کرد. اول یوحنا ۲: ۱ تعلیم می‌دهد که مسیحیان عمداً به زندگی کردن در گناه ادامه نخواهند داد. اول یوحنا ۲: ۱۲-۱۴ تعلیم می‌دهد که مسیحیان در همه مراحل می‌توانند از نظر روحانی رشد کنند، و در شناخت خدا و اطاعت از کلام او رشد کنند، و در غلبه بر شیطان نیز ترقی کنند. اول یوحنا ۵: ۱۳-۲۰ تعلیم می‌دهد که مسیحیان می‌توانند اطمینان داشته باشند که نجات یافته‌اند (۱۳)، و دعاهایشان اجابت خواهد شد (۱۴-۱۵)، و اینکه زندگی تقدیس شده هیچگاه منجر به ارتکاب گناهی نخواهد شد که منتهی به مرگ می‌شود (۱۶-۱۸)؛ ایشان می‌توانند اطمینان داشته باشند که میان مسیحیان و جهان آنتی‌تزی مطلق وجود دارد (۱۹)، و اعتقاداتشان با واقعیت منطبق است (۲۰). به‌طور خلاصه، نتیجه می‌گیریم که هدف یوحنا این بوده که با تعالیم نادرست مبارزه کند و خصائل واقعی مسیحی را پدید آورد، تا به این وسیله، مسیحیان بتوانند از مشارکت با خدای زنده و مسیح بهره ببرند.

### نکته ۵- تقسیم‌بندی رساله اول یوحنا

به رساله اول یوحنا می‌توان این عنوان را داد: “خصائل کسانی که با خدا مشارکت دارند.” رساله اول یوحنا را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد که هر یک حاوی سه قسمت است.

**بخش اول:** فصل ۱: ۱ تا ۲: ۲۹. خدا نور است. او بر راه ما نور می‌تاباند. بنابراین فرزندان خدا نیز “در نور سلوک می‌کنند”؛ ایشان به گناهان خود اعتراف کرده، از احکام خدا اطاعت می‌کنند (۱: ۱ تا ۲: ۶)؛ برادران مسیحی خود را دوست می‌دارند، نه دنیا را. نداشتن محبت به‌معنی زندگی کردن در تاریکی است (۲: ۷-۱۷)؛ ایشان اقرار می‌کنند به اینکه عیسی همان مسیح است، یعنی اینکه عیسی بشری همان مسیح الهی است (۲: ۱۸-۲۹؛ ۵: ۵).

**بخش دوم:** فصل ۳: ۱ تا ۴: ۶. خدا حیات است. او حیات جاویدان را از طریق تولد تازه عطا می‌فرماید. بنابراین، فرزندان خدا “مانند فرزندان خدا زندگی می‌کنند”؛ ایشان خود را از گناه پاک می‌سازند و به آنچه که درست است عمل می‌کنند (۳: ۱-۱۰)؛ به‌عنوان واکنش به محبت مسیح، برادران مسیحی خود را دوست می‌دارند، زیرا که مسیح جان خود را در راه ایشان فدا ساخت. نداشتن محبت به‌معنی مرگ است (۳: ۱۰-۲۴). ایشان اقرار می‌کنند به اینکه عیسی در جسم آمد، یعنی اینکه پسر الهی خدا، طبیعت بشری بر خود گرفت (۴: ۱-۶).

**بخش سوم:** فصل ۴: ۷ تا ۵: ۲۱. خدا محبت است. او محبت خود را به واسطه مسیح نشان می‌دهد. بنابراین، فرزندان خدا در واکنش به محبت خدای پدر و شهادت درونی روح القدس، "برادران مسیحی را دوست می‌دارند" (۴: ۷ تا ۵: ۳)؛ ایشان اقرار می‌کنند به اینکه عیسی پسر خدا است، یعنی اینکه عیسی بشری همان پسر الهی خدا است، نه فقط در غسل تعمیدش، بلکه همچنین در مصلوب شدنش در خون (۵: ۴-۱۲؛ ۵: ۵-۶). نتیجه: آنچه در ایمان مسیحی یقین و قطعیت محسوب می‌شود، در کلمه "می‌دانیم" بیان شده است. مسیحیان از حیات جاویدان یقین دارند (۱۳)؛ از اجابت دعایشان یقین دارند (۱۴-۱۵)؛ از تقدیس زندگی مسیحی‌شان یقین دارند (۱۶-۱۸)؛ از تقابل مطلق میان مسیحیان و دنیا یقین دارند (۱۹)؛ و یقین دارند که اعتقادات مسیحیت با واقعیت منطبق است (۲۰) (۵: ۱۳-۲۱).

### **نکته ۶ - رساله‌های دوم و سوم یوحنا**

رساله دوم یوحنا به دست "پیر" یا همان "رهبر روحانی کلیسا" نوشته شده است. هم احادیث مسیحی و هم سبک داخلی رساله حاکی از آن است که نویسنده آن یوحنا رسول بوده است. یوحنا نیز مانند پطرس، یکی از پیران کلیسای محلی بود (اول پطرس ۵: ۱). او رساله را خطاب به "بانوی گرامی و فرزندان" نوشت که احتمالاً منظور یکی از کلیساهای محلی آسیای صغیر و اعضای آن می‌باشد. در پایان رساله، اعضای کلیسای محلی یوحنا رسول، "فرزندان خواهر گرامی‌تان" خوانده شده‌اند که این نشان می‌دهد که کلیساهای محلی خود را با یکدیگر کاملاً برابر می‌شمردند و بر یکدیگر سروری نمی‌کردند. یوحنا احتمالاً این رساله را بین سالهای ۷۰ تا ۹۸ میلادی در شهر افسس نوشت. هدف او هشدار دادن به مسیحیان در مورد معلمان دروغین بود. این معلمان منکر آن بودند که مسیح الهی طبیعت بشری بر خود گرفت (۷). بنابراین، یوحنا رسول به مسیحیان امر می‌کند که به کسانی که منکر حقیقت اند میهمان‌نوازی نشان ندهند. در دوم یوحنا ۱۰-۱۱ او چنین امر می‌کند: "اگر کسی برای تعلیم دادن کلام خدا نزد شما آید، اما به تعالیم مسیح ایمان نداشته باشد، او را به خانه خود راه مدهید و حتی به او سلام نکنید، زیرا اگر با این فاسدان معاشرت کنید، مانند آنان خواهید شد."

به رساله دوم یوحنا می‌توان این عنوان را داد: "به کسانی که منکر حقیقت اند، میهمان‌نوازی نشان ندهید."

رساله سوم یوحنا را "پیر" یا همان "رهبر روحانی کلیسا" نوشته است. در این مورد نیز، هم احادیث مسیحی و هم سبک داخلی نشان می‌دهد که آن را یوحنا رسول نوشته است. یوحنا آن را احتمالاً بین سالهای ۷۰ تا ۹۸ میلادی در شهر افسس نوشت. هدف او این بود که مسیحیان را تشویق کند تا از آنانی که حقیقت را اعلام می‌کنند، میهمان‌نوازی به عمل آورند. او رساله را خطاب به "غایوس عزیز" نوشت؛ این شخص آشنای یوحنا رسول بود. اما در این کلیسای محلی، شخصی بود به نام دیوترفیس که خود را "رئیس" کلیسا می‌پنداشت. او یکی از رهبران شرور کلیسا بود، زیرا بجای رد کردن معلمان دروغین، همکاران و پیام‌آوران خود یوحنا را نمی‌پذیرفت. این رهبر کلیسای محلی "سلطه‌جو" بود، یعنی همان چیزی که خداوند عیسی در متی ۲۰: ۲۵-۲۸ و پطرس رسول در اول پطرس ۵: ۱-۴ نهی کرده بودند. او با اقتدار و مرجعیت یوحنا رسول مقاومت می‌کرد و می‌خواست در کلیسا نفر اول باشد و سعی می‌کرد موقعیت خود را با غیبت‌گویی در مورد یوحنا رسول و همکارانش تحکیم بخشد. او مانع می‌شد که اعضای کلیسای محلی‌اش همکاران یوحنا را مورد استقبال قرار دهند، و حتی ایشان را از کلیسا بیرون می‌کرد. برعکس، غایوس همکاران یوحنا را می‌پذیرفت و هر نوع میهمان‌نوازی را در حق ایشان بجا می‌آورد. یوحنا ابراز امیدواری کرد که دیمتریوس، حامل نامه، از همان نوع میهمان‌نوازی برخوردار شود. به رساله سوم یوحنا می‌توان این عنوان را داد: "به آنانی که حقیقت را اعلام می‌کنند، میهمان‌نوازی نشان دهید."

### **تکلیف برای هفته آینده**

- اول. در طول هفته آینده، مکاشفه ۱ تا ۷ را بخوانید. هفته بعد، به معرفی کتاب مکاشفه خواهیم پرداخت.
- دوم. کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم ....
- سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.